



دانشگاه قرآن و حدیث
پریس تهران

پایان نامه کارشناسی ارشد
رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی

عنوان پایان نامه

تعریف، آثار و احکام فقر در فقه اسلامی با تأکید بر آراء معاصران

استاد راهنما

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد مهدی ساجدی

دانشجو

علی عظیمی

ماه و سال دفاع

اسفند ۱۳۹۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تمام حقوق این اثر متعلق به دانشگاه قرآن و حدیث است.

تقدیم به

ساحت مقدس حضرت صاحب الزمان ارواحنا له الفداه عجل الله فرجه

سپاسگزاری

از همه ی کسانی که مرا یاری کردند.

چکیده

تحقیق حاضر در صدد تبیین و تعریف فقر در اصطلاح فقه اسلامی و بررسی فقهی احکام و آثار شرعی متعلق به فقیر است. در این ارتباط آنچه با روش توصیفی — تحلیلی و با ابزار کتابخانه‌ای و اسناد بدست آمده این است که فقیر در اصطلاح فقهی به کسی اطلاق می‌شود که از تأمین مخارج و هزینه‌های سالیانه خود و کسانی که مسئولیت انفاق بر آنها را عهده دار است، عاجز است. این تعریف مورد پذیرش اکثر فقها و بویژه فقهای معاصر قرار گرفته است. فقیر و مسکین در کاربرد با هم معنی یکسانی دارد اما اگر هر یک به تنها به کار رود، مسکین فردی است که وضعیت مالی او از فقیر پایین‌تر است. مهمترین احکام مربوط به فقیر در باب زکات قابل احصاء است اما در ابواب دیگری نیز مانند باب خمس، جهاد، حج و ... نیز به مناسبت احکامی در مورد فقیر بیان شده است. همچنین از آثار مترتب بر فقر این است که برخی از احکام و مسئولیت‌های شرعی مانند اقدام به حج، پرداخت زکات، جهاد و ... از عهده فقیر برداشته شده است.

فرد مسلمانی که به عللی قادر به تأمین مخارج سالیانه خود و عیالاتش نباشد از نظر فقهی تحت عنوان «فقیر» قرار می‌گیرد. اما این که آیا این فقیر تحت موضوع برخی احکام شرعی قرار می‌گیرد یا نه؟ و یا کیفیت آن چگونه است؟ و به‌طور کلی اینکه آیا فقه و شریعت اسلامی برای این پدیده نامطلوب که یکی از معضلات جامعه اسلامی از صدر تا کنون بوده است چاره‌اندیشی کرده است یا خیر؟ فقه اسلامی در چه ابوابی به این موضوع پرداخته و چه امتیازاتی برای فقرا تعیین کرده است؟ و همچنین برخی از احکام شرعی که هزینه‌های برای شخص مسلمان در پی دارد آیا برای فقرا هم وضع کرده است یا خیر؟ موضوعی بود که ما به طور مبسوط به آن پرداخته‌ایم. و ضمناً در کنار این بررسی فقهی، به تعریف دقیق فقر در فقه و آثار و پیامدهای آن از منظر قرآن کریم و روایات ائمه معصومین علیهم‌السلام و همچنین به راه‌های پیشگیری و درمان فقر از سه منظر وظایف خود فقرا در قبال رفع فقرشان و وظایف توانگران نسبت به فقرزدایی از فقرا و وظیفه حکومت اسلامی و سیره امیرالمومنین علیه‌السلام در فقرزدایی پرداخته‌ایم که این‌طور بررسی و تقسیم‌بندی سیاست‌های فقرزدایی، خود از نوآوری این تحقیق است. و همچنین حل تعارض آن‌دسته از روایاتی که به ستایش فقر و نکوهش آن پرداخته‌اند از دیگر ویژگی‌های این تحقیق است.

کلید واژه: فقر، فقیر، زکات، خمس

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۳	فصل اول کلیات و مفاهیم
۱۴	۱.۱ کلیات
۱۴	۱.۱.۱ بیان مسأله
۱۴	۱.۱.۲ ضرورت و اهداف
۱۴	۱.۱.۳ سوالات تحقیق
۱۵	۱.۱.۴ فرضیات تحقیق
۱۵	۱.۱.۵ پیشینه تحقیق
۱۶	۲.۱ مفاهیم
۱۶	۱.۲.۱ تعریف فقر
۱۶	۱.۲.۱.۱ تعریف لغوی
۱۷	۱.۲.۲ تعریفی دیگر از فقر
۱۸	۱.۲.۳ اقسام فقر در قرآن کریم
۱۸	۱.۳.۲.۱ فقر ذاتی
۱۹	۱.۳.۲.۲ فقر واقعی و حقیقی
۲۰	۱.۳.۲.۳ فقر دینی
۲۱	۱.۳.۲.۴ فقر فرهنگی
۲۲	۱.۳.۲.۵ فقر روحی و ذهنی
۲۴	۱.۳.۲.۶ فقر انتخابی
۲۵	۱.۳.۲.۷ فقر اقتصادی
۲۶	۲.۴ عوامل و اسباب فقر در جامعه بشری
۲۷	۱.۴.۲.۱ عوامل واقعی (بیرونی و درونی)
۲۷	۱.۴.۲.۲ عوامل بیرونی
۲۹	۱.۴.۲.۳ عوامل برونی دیگر
۳۲	۱.۴.۲.۴ عوامل درونی

۳۵	۱. ۲. ۵. نظر اسلام در ارتباط با فقر
۳۵	۱. ۲. ۵. ۱. موقعیت دنیا و آخرت و روایات اسلامی
۳۷	۱. ۲. ۵. ۲. بررسی روایات با موضوع فقر
۴۱	۱. ۲. ۶. پیامدها و آثار ویرانگر فقر در جامعه انسانی
۴۱	۱. ۲. ۶. ۱. فقر و ضعف مبانی اخلاق
۴۲	۱. ۲. ۶. ۲. تشویش و اضطراب
۴۲	۱. ۲. ۶. ۳. انزوای اجتماعی
۴۳	۱. ۲. ۶. ۴. فقر و سوء تغذیه
۴۳	۱. ۲. ۶. ۵. فقر و وابستگی اقتصادی
۴۴	۱. ۲. ۷. جمع‌بندی
۴۵	فصل دوم احکام مترتب بر فقیر
۴۶	۱. ۲. ۱. تعریف فقر در اصطلاح فقه
۴۶	۱. ۲. ۱. ۱. تفاوت معنای فقیر و مسکین
۴۷	۱. ۲. ۱. ۲. یکسان بودن معنای فقیر و مسکین
۴۷	۱. ۲. ۳. ۱. متفاوت بودن معنای فقیر و مسکین مشروط به قرار گرفتن در کنار یکدیگر
۴۸	۱. ۲. ۴. ۱. بد حال تر بودن فقیر از مسکین
۴۸	۱. ۲. ۵. ۱. بد حال تر بودن مسکین از فقیر
۵۰	۱. ۲. ۶. ۱. تفاوت معنای فقیر و مسکین با توجه به تقاضای کمک از دیگران
۵۲	۱. ۲. ۲. تحلیل دیدگاه‌ها در مورد فقیر و مسکین
۵۳	۱. ۲. ۳. ۱. وجوب و احکام تعلق زکات بر فقیر
۵۴	۱. ۲. ۳. ۱. مسائل تعلق زکات به فقیر
۵۴	۱. ۲. ۳. ۱. ۱. ملاک فقیر شرعی
۵۸	۱. ۲. ۳. ۱. ۲. مقدار و کمیت زکات
۵۸	۱. ۲. ۳. ۱. ۳. تاثیر شرایط کسب و کار بر اخذ زکات
۵۹	۱. ۲. ۳. ۱. ۴. وجوب و عدم وجوب تعلیم صنعت جهت استغناء از زکات
۶۰	۱. ۲. ۳. ۱. ۵. ملاک در تشخیص فقیر شرعی

- ۶۲ ۲. ۳. ۱. ۶. جواز وعدم جواز محاسبه زکات بابت بدهی
- ۶۳ ۲. ۳. ۱. ۷. اعلام یا عدم اعلام زکات بودن مال پرداختی به فقیر
- ۶۳ ۲. ۳. ۱. ۸. وقوع اشتباه در مصداق مستحق زکات
- ۶۴ ۲. ۳. ۲. شرایط فقیر در تعلق زکات به آن با اوصاف مستحقین زکات
- ۶۴ ۲. ۳. ۲. ۱. اول ایمان
- ۶۶ ۲. ۳. ۲. ۲. عدالت یا عدم اعانت براسم
- ۶۷ ۲. ۳. ۲. ۳. واجب النفقه نبودن
- ۶۹ ۲. ۳. ۲. ۴. هاشمی نبودن
- ۷۱ ۲. ۳. ۳. مستحقین زکاة فطره و مسائل تعلق آن به فقیر
- ۷۱ ۲. ۳. ۳. ۱. لزوم و عدم لزوم شرط عدالت برای مستحق
- ۷۳ ۲. ۴. وجوب و احکام تعلق خمس به فقیر
- ۷۴ ۲. ۴. ۱. احکام تعلق خمس به فقیر
- ۷۹ فصل سوم وظایف و مسئولیت‌های خود فقرا و افراد جامعه ونظام اسلامی در قبال فقر و فقرا
- ۸۰ ۳. ۱. وظایف فقرا در تأمین نیازهای خود
- ۸۰ ۳. ۱. ۱. مقدمه
- ۸۱ ۳. ۱. ۲. وظایف اقتصادی
- ۸۱ ۳. ۱. ۲. ۱. کار و اشتغال
- ۸۶ ۳. ۱. ۲. افزایش بهره‌وری و کارایی
- ۹۲ ۳. ۱. ۲. ۳. وظایف معنوی
- ۱۰۳ ۳. ۲. انفاق: وظایف توانگران نسبت به فقرا
- ۱۰۴ ۳. ۲. ۱. گستره انفاق
- ۱۰۶ ۳. ۲. ۱. ۱. اهمیت و منزلت انفاق
- ۱۰۶ ۳. ۲. ۱. ۲. اوامر فراوان و مؤکد به انفاق
- ۱۰۶ ۳. ۲. ۱. ۳. ذکر انفاق همراه با اعمال و عبادات مهم
- ۱۰۷ ۳. ۲. ۱. ۴. ویژگی‌های مهم انفاق
- ۱۱۲ ۳. ۲. ۲. شرایط و آداب انفاق

- ۱۱۲..... ۳. ۲. ۲. ۱. اسلام و ایمان
- ۱۱۲..... ۳. ۲. ۲. ۲. قصد قربت و پرهیز از ریا
- ۱۱۳..... ۳. ۲. ۲. ۳. پرهیز از منت گذاری و آزارسانی
- ۱۱۴..... ۳. ۲. ۲. ۴. انفاق از مال حلال
- ۱۱۴..... ۳. ۲. ۲. ۵. انفاق از چیزهای محبوب و مرغوب
- ۱۱۵..... ۳. ۲. ۲. ۶. میانه روی در انفاق
- ۱۱۶..... ۳. ۲. ۲. ۷. انفاق نهانی
- ۱۱۷..... ۳. ۲. ۲. ۸. انفاق در شرایط دشوار
- ۱۱۸..... ۳. ۲. ۳. مصارف انفاق
- ۱۱۸..... ۳. ۲. ۳. ۱. خویشاوندان
- ۱۱۹..... ۳. ۲. ۳. ۲. یتیمان
- ۱۱۹..... ۳. ۲. ۳. ۳. فقرا و مساکین
- ۱۲۰..... ۳. ۲. ۳. ۴. ابن السبیل
- ۱۲۰..... ۳. ۲. ۳. ۵. مهاجران در راه خدا
- ۱۲۱..... ۳. ۲. ۳. ۶. سائلان
- ۱۲۱..... ۳. ۲. ۳. ۷. آزادسازی برده گان
- ۱۲۱..... ۳. ۲. ۳. ۸. جهاد در راه خدا
- ۱۲۲..... ۳. ۲. ۳. ۹. مؤلفه القلوب
- ۱۲۳..... ۳. ۲. ۳. انفاق اهل بیت علیهم السلام در راه خدا
- ۱۲۴..... ۳. ۳. وظایف حکومت اسلامی در قبال فقرا و سیاست های فقرزدایی
- ۱۲۴..... ۳. ۳. ۱. راهبردهای اقتصادی فقرستیزی
- ۱۲۵..... ۳. ۳. ۱. ۱. فلسفه فقرزدایی
- ۱۲۷..... ۳. ۳. ۱. ۲. راههای پیشگیری فقر
- ۱۴۲..... نتایج
- ۱۴۴..... منابع و مأخذ
- ۱۴۴..... منابع فارسی

۱۴۴.....	منابع عربی
۱۴۸.....	مقالات
۱۵۰.....	المخلص
۱۵۱.....	Abstract

فصل اول

کلیات و مفاهیم

۱.۱. کلیات

۱.۱.۱. بیان مسأله

در صورتی که فرد مسلمان به عللی قادر به تأمین مخارج سالیانه خود و کسانی که موظف به تأمین نفقه آنان است نباشد، از نظر فقهی تحت عنوان «فقیر» قرار می‌گیرد. در صورت تحقق این عنوان، وی موضوع برای برخی احکام شرعی مانند زکات یا خمس، وقف قرار می‌گیرد و لازم است بررسی شود در صورت تحقق چه شرایطی مستحق دریافت زکات یا خمس و مانند آن است و نیز در چه صورت برخی احکام شرعی از عهده چنین شخصی برداشته می‌شود مانند حج، نفقه، و در صورتی که فقر عارضی باشد مانند تحقق افلاس و ورشکستگی احکام مختص به خود را دارد. همچنین می‌توان به این موضوع از جنبه حکومتی نیز نگریست و وظایف حکومت در قبال افراد فقیر را مورد بررسی قرار داد.

۱.۱.۲. ضرورت و اهداف

از آنجا که متأسفانه بخشی از جامعه ما را اقشار ضعیف و کم‌درآمد و ناتوان تشکیل می‌دهد و نوعاً این قشر، قشری هستند که نسبت به حقوق و احکام فقهی خود کمتر آگاهند و نیز جهت آگاهی سایرین از اقشار جامعه و حکومت اسلامی از وظایفی که در قبال فقرا بر عهده دارند، ضرورت دارد احکام و آثار حقوقی مترتب بر فقر و شخص فقیر مورد پژوهش قرار گیرد.

۱.۱.۳. سوالات تحقیق

در این ارتباط با یک سوال اصلی مواجهیم که عبارت است از اینکه چه آثار و احکامی در فقه و حقوق بر

فقرو شخص فقیر مترتب می‌گردد؟

اما در عین حال سوالات فرعی زیر نیز در تبیین موضوع نقش مهمی را ایفا نماید:

۱- در اصطلاح فقه، فقیر به چه کسی اطلاق می‌شود؟

۲- چه احکامی از عهده فقیر برداشته شده است؟

۳- وظایف و مسئولیت های حکومت اسلامی در قبال فقرا چیست؟

۱.۱.۴. فرضیات تحقیق

۱- در اصطلاح فقه، فقیر به شخصی اطلاق می‌شود که درآمد او کمتر از خرج و مخارج سالیانه او و عیال واجب النفقهاش باشد.

۲- از جمله احکامی که از عهده فقیر برداشته شده است عبارتند از: حج واجب، نفقه، پرداخت زکاة فطره و ...

۳- حاکم اسلامی موظف است از طرقي که شارع برای آن مشخص کرده مانند اخذ زکات اموال، نسبت به بهبود معیشت فقرا اقدام نموده و فقر را از زندگی آنان ریشه کن نماید.

۱.۱.۵. پیشینه تحقیق

در این ارتباط در کتب فقهی باب خاصی وجود ندارد و فقها در لا به لای مباحثی که موضوعاً مرتبط با فقیر بوده از آن بحث کرده اند، به عنوان مثال در باب های کفاره، روزه، زکات، حج، خمس، وقف و غیره و همچنین در این زمینه کتاب یا مقاله ای که وافی به مقصود از این موضوع باشد یافت نشد اما مقالات زیر از جهاتی موضوع را مورد بررسی قرار داده اند. اما در زمینه بیان احکام و آثار حقوقی چنین اثری یافت نشد. برخی مقالات مرتبط عبارتند از:

۱- تحلیل مقایسه‌ای مولفه‌های الگوی اندازه گیری خط فقر بر مبنای شریعت اسلام و اقتصاد متعارف

۲- بررسی موضوع فقر و غنا

۳- نگاهی به فقر و فقرزدایی از دیدگاه اسلام

۴- فقر در قرآن و روایات

۵- موارد پرداخت زکات

۲.۱. مفاهیم

۱.۲.۱. تعریف فقر

۱.۱.۲.۱. تعریف لغوی

در کتب معجم و لغت «فقر» به معانی زیر بکار رفته است.

الف) شکسته شدن مهره‌های پشت بدن: برخی لغویین مانند محب‌الدین بر این عقیده‌اند که:

«فقر در لغت به معنای حفر کردن و سوراخ کردن است، همانطور که گفته می‌شود، زمین را

برای کاشت نهال حفر کردم یا مهره را سوراخ کردم یا اینکه گفته می‌شود: کلمه «فقر» به

معنای شکافی است که در عضو و غیر آن بوده باشد.»^۱

و «فقیر» یعنی کسی که مهره پشتش شکسته است. و انسان فقیر را از این حیث فقیر گویند، که گویا مهره

پشتش به خاطر ذلت و خواری از ناحیه «فقر» شکسته است.^۲

ب) نیاز و حاجت: اکثر لغویین فقر را به معنای نیاز و حاجت آورده‌اند.^۳

ج) نداشتن به اندازه کفایت: همچنین برخی بر این نظراند که «فقیه» در برابر غنی است و غنی به کسی

گفته می‌شود که به اندازه کفایت و رفع حاجت خود و خانواده، در اختیار داشته باشد. لذا فقیر کسی است که

دارایی‌اش به این اندازه نیست.^۴

در کتاب مفردات الفاظ القرآن راغب اصفهانی فقر را به چهار صورت معنا کرده است:

۱- نیازمندی‌های مادی و زیستی موجودات زنده

۲- عدم برخورداری از وسایل و امکانات اولیه و اساسی زندگی

۳- آزمندی و بسنده نکردن به امکانات موجود

۴- احساس همیشگی نیاز به خدا

بدیهی است که از چهار مورد یاد شده نخستین آنها ضروری و فطری است، دومی امری مطبق با واقعیت

۱. حسینی واسطی زبیدی، محب‌الدین، تاج العروس من جواهر قاموس، بیروت، دارالفکر للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۱۴ ق، چاپ اول،

اول، ج ۷، ص ۳۵۷.

۲. ابن فارس، ابوالحسین، معجم مقائیس اللغة، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۰۴ ق، ج ۴، ص ۴۳۳.

۳. سعدی، ابوحیب، القاموس الفقہی لغة واصطلاحاً، دمشق، دارالفکر، ۱۴۱۹ ق، ص ۲۸۹.

۴. ابن منظور، ابوالفضل جمال‌الدین محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ ق، ج ۵، ص ۶۰.

است، سومی صفتی است ناپسند و نکوهیده و چهارمی صفتی است پسندیده و ضروری برای هر فرد موحد و مؤمن.^۱

۱.۲.۲. تعریفی دیگر از فقر

فقر، تنگدستی و کمبود نیازمندیهای زندگی است و فقیر کسی است که مال و کسی ندارد تا نیازهایش را با آن برطرف کند.^۲

تأمین معیشت و نیازهای زندگی سالم و مطلوب، هزینه‌های مختلفی را می‌طلبد این هزینه‌ها شامل مخارج شخصی، خانوادگی، اجتماعی، مادی و فرهنگی است.

در یک تقسیم‌بندی کلی، در ارتباط با اموالی که صرف هزینه‌های زندگی می‌شود، یکی از ۴ شکل زیر پدید می‌آید:

الف) مسکنت: یعنی تهیدستی و هیچ نداشتن^۳

ب) فقر: یعنی تنگدستی، به گونه‌ای که انسان فاقد بخشی از هزینه‌های ضروری زندگی خویش است.

ج) غنای کفافی: یعنی ثروتی که انسان براساس اصول و موازین شرعی و عرفی تحصیل کنند و با آن زندگی در خور شأن داشته باشند، نیازهای خود و خانواده خویش اعم از مادی و معنوی آن را بتواند تأمین کند و زندگی بدور از بخل و امساک و اسراف داشته باشد، این همان چیزی است که در روایات اسلامی از آن به عنوان «نعم العون علی تقوی الله الغنی»^۴ یا «نعم العون علی تقوی الله المال»^۵ یاد شده است.

د) غنای مفروط: یعنی تراکم ثروت به همراه روحیه فزون‌طلبی به گونه‌ای که هم و غم شخص، ذخیره اندوزی طلا و نقره و بدست آوردن مال از هر راهی باشد و به هیچ‌وجه ضوابط شرعی و عرفی و حقوق دیگران را رعایت نکند که در روایات از آن به «سُكْرُ الْمَالِ» (مستی ثروت) تعبیر شده است^۶ و در نتیجه آن انسان از یکطرف به اسراف و تجمل روی می‌آورد و از طرف دیگر به بخل و امساک و نپرداختن حقوق مالی واجب دچار می‌شود.

۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، بیروت، دار المعرفة، بی‌تا، ص ۶۴۱.

۲. الشربینی خطیب، محمد، معنی المحتاج، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی، ۱۳۷۷ ق، ج ۳، ص ۱۰۶.

۳. ابن زهره، حمزه بن علی، غنیة النروع، قم، مؤسسه الامام الصادق علیه السلام، ۱۳۷۵ ش، ص ۱۲۳.

۴. حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۹۱ ق، چاپ چهارم، ج ۱۲، ص ۱۶.

۵. متقی هندی، علاء الدین علی بن حسام، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۵ ق، چاپ پنجم، ج ۳، ص ۲۳۹.

۶. طبرسی، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۸ ق، چاپ اول، ج ۱۱، ص ۳۷۱.

گفتنی است که نیازهای معیشتی انسان‌ها در طول اعصار و قرون و به حسب مناطق و امکانه، بلکه به لحاظ شئون آنان و حتی به موجب نیازهای یک انسان در دوره‌های مختلف عمر، متفاوت است. از اینجا می‌توان نتیجه گرفت که فقر و غنا در زمان‌های مختلف مطابق نیازها یا سطح درآمد جامعه، مفهوم نسبی متغیری پیدا می‌کند. در روایتی سفیان ثوری خدمت امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ آمد و حضرت را با لباس‌های خوبی مشاهده کرد: «و علیه ثيابٌ جیاد» سفیان به امام عرض کرد: پدران شما چنین لباس‌هایی نمی‌پوشیدند! امام عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: پدران من آن‌گونه لباس‌ها را در زمان تهی‌دستی و فقر جامعه، بر تن می‌کردند، ولی حالا زمانی فرا رسیده که نعمت‌ها در دست مردم فراوان شده و در چنین زمانی شایسته‌ترین مردم برای استفاده از آن «اِبرار» هستند.^۱

نتیجه اینکه هرکس از امکانات ضروری زمان یا مکان خویش و یا مانند آن، برخوردار نباشد و سطح زندگی او متناسب با امکانات روزگار خود نباشد، فقیر محسوب می‌شود.

۱.۲.۳. اقسام فقر در قرآن کریم

فقر به معنی ناداری و نیازمندی در ابعاد و زمینه‌های گوناگون زندگی آدمی، مفاهیم مختلفی را در بر می‌گیرد و دارای درجاتی است که با ملاحظه فقر در قرآن و روایات می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱.۳.۲.۱. فقر ذاتی

بر اساس فرهنگ ادیان آسمانی و دیدگاه عرفا و فلاسفه الهی، جز خداوند همه موجودات جهان فقیر و نیازمندند. این نیاز و حاجت در همه جهات برای انسان تا زمانی که در دنیا هست موجود باشد و بلکه در همه موجودات این حاجت و نیاز هست. خداوند تنها موجودی بی‌نیاز است که از توانگری ذاتی برخوردار است. چنان که در قرآن کریم نیز به این مطلب اشاره رفته است:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ﴾^۲؛

«ای مردم شما همگی نیازمند خدایید، تنها خداوند است که بی‌نیاز و شایسته‌ی هرگونه ستایش است.»

۱. حرّ عاملی، محمد بن حسن، پیشین، ج ۳، ص ۳۵۰.
۲. فاطر/ ۱۵.

نیز در جای دیگر آمده است:

﴿وَاللَّهُ الْغَنِيُّ وَأَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ﴾^۱؛

«خداوند بی‌نیاز است و شما نیازمندید.»

این فقر یک صفت نیست بلکه در فطرت و خمیرمایه آدمی نهفته است و طلب کمال برخاسته از آن است و هر قدر انسان از این نیازمندی آگاهی بیشتری پیدا کند به خداوند نزدیکتر می‌شود و به درجات بالاتری از کمال دست می‌یابد.

بنابراین پیامبران و امامان فقیرترین انسان‌ها بودند و بر این فقر خود نیز افتخار می‌کردند.

حضرت رسول اکرم ﷺ در دعایی می‌فرمایند:

«اللَّهُمَّ اغْنِنِي بِالْإِفْتِقَارِ إِلَيْكَ وَلَا تُفْقِرْنِي بِالِاسْتِغْنَاءِ عَنْكَ»^۲

الهی مرا با نیازمندی به سوی خود غنی گردان و نیازم را سرشار و نیز مرا در بی‌نیازی از خودت فقیر مگردان که خود را از تو بی‌نیاز بدانم.»

اشعار عرفان واقعی نیز از اعتراف به چنین نیازمندی آکنده است. به طور طبیعی چنین افرادی خود را از همه موجودات جهان بی‌نیاز احساس می‌کنند.

۱. ۲. ۳. فقر واقعی و حقیقی

براساس تعالیم اسلام می‌توان به یک نوع دیگری از فقر اشاره نمود که از آن به فقر واقعی و حقیقی تعبیر می‌شود و چهره خود را به صورت فقدان عمل خیر در سرای آخرت به نمایش می‌گذارد. حدیث زیر از پیامبر اکرم ﷺ به این نوع فقر مهم اشاره نموده است:

«قال رسول الله ﷺ أَتَذَرُونَ مَا الْمُفْلِسُ؟ فَقِيلَ الْمُفْلِسُ فِينَا مَنْ لَادِرِهِمْ لَهُ وَلَا مَتَاعَ لَهُ. فَقَالَ: الْمُفْلِسُ مِنْ أُمَّتِي مَنْ يَأْتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِصَلَاةٍ وَصِيَامٍ وَزَكَاةٍ وَيَأْتِي قَدْ شَتَمَ وَقَذَفَ هَذَا. وَأَكَلَ مَالَ هَذَا وَسَفَكَ دَمَ هَذَا وَضَرَبَ هَذَا فَيُعْطَى هَذَا مِنْ حَسَنَاتِهِ وَهَذَا مِنْ حَسَنَاتِهِ فَإِنْ فَنِيَتْ حَسَنَاتُهُ قَبْلَ أَنْ يُفْضَى مَا عَلَيْهِ أَخَذَ مِنْ خَطَايَاهُمْ فَطَرِحَتْ عَلَيْهِ ثُمَّ طَرِحَ فِي النَّارِ بَلْ قَدْ يَقَالُ إِنَّ الْمُفْلِسَ حَقِيقَةٌ هُوَ هَذَا»^۳

۱. محمد/ ۳۸.

۲. مجلسی، محمدباقر، بحار/انوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ق، چاپ دوم، ج ۶۹، ص ۳۰.

۳. همان، ج ۶۹ ص ۶.

آیا می‌دانید مفلس کیست؟ گفتند: از نظر ما، مفلس کسی است که نه درهمی دارد و نه کالایی. حضرت فرمود: مفلس امت من، کسی است که روز قیامت نماز و روزه و زکات با خود می‌آورد، اما گاهی دشنام و تهمت به این زده است و مال آن را خورده و خون فلان را ریخته و بهمان را زده است. در نتیجه، از حسناش به این و آن داده می‌شود و اگر حسناش تمام شود و هنوز خطاهایش تمام نشده باشد، از گناهان آنها برداشته و به او داده می‌شود و سپس در آتش افکنده می‌شود و گفته می‌شود: مفلس حقیقی، همین شخص است.»

در حدیث دیگری نیز ایشان چنین فرموده‌اند:

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَيُّهَا النَّاسُ... مَا الصَّغْلُوكُ فِيكُمْ؟ قَالُوا: الرَّجُلُ الَّذِي لَا مَالَ لَهُ. فَقَالَ: بَلِ الصَّغْلُوكُ حَقَّ الصَّغْلُوكِ مَنْ لَمْ يُقَدِّمْ مِنْ مَالِهِ شَيْئًا يَخْسِبُهُ عِنْدَ اللَّهِ وَإِنْ كَانَ كَثِيرًا مِنْ بَعْدِهِ؛^۱

ای مردم به نظر شما فقیر کیست؟ عرض کردند: مردی که ثروتی ندارد. فرمود: نه، فقیر حقیقی کسی است که از مال خود چیزی به حساب خدا پیش نفرستد، اگرچه پس از او مال بسیاری بماند.»

امیرالمؤمنین علی عليه السلام در نهج البلاغه نیز به این نوع فقر اشاره نموده‌اند:

«الْغِنَى وَالْفَقْرُ بَعْدَ الْعَرْضِ عَلَى اللَّهِ؛^۲

توانگری و فقر (واقعی) آنگاه معلوم می‌شود که اعمال به پیشگاه خداوند عرضه شود.»

۱. ۲. ۳. فقر دینی

این نوع فقر که در کلام معصومین عليهم السلام بدان اشاره شده و به جهت نشان دادن سختی و دشواری آن از الفاظ خاصی به کار گرفته شده است، عبارت است از فقدان یک آیین الهی و یا وجود کاستیها و نواقص در اعتقادات دینی و عقیدتی. از احادیث زیر چنین مضمونی قابل برداشت است:

«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ الْفَقْرُ الْمَوْتُ الْأَخْمَرُ؛ فَقُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: الْفَقْرُ مِنَ الدِّينَارِ وَالذَّرْهَمِ. فَقَالَ: لَا وَلَكِنْ مِنَ الدِّينِ؛^۳

۱. همان، ج ۷۴، ص ۱۵۲.

۲. سید رضی، ابوالحسن محمد بن الحسین، نهج البلاغه، تحقیق دکتر صبحی صالح، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا، ح ۴۵۲.

۳. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، بیروت، دار صعب دار التعارف، ۱۴۰۱ ق، چاپ سوم، ج ۳، ص ۶۶۳.

امام صادق علیه السلام فرمودند: فقر، مرگ سرخ (کشته شدن) است. [راوی می گوید:] به ابوعبدالله

عرض کردم: (منظورتان) فقر درهم و دینار است؟ فرمود: نه، فقر دینی است.»

همچنین امام علی علیه السلام این نوع فقر را جزء سخت ترین فقرها به شمار می آورد و در پاسخ به این پرسش

که سخت ترین فقر کدام است؟ می فرماید:

«فَأَيُّ فَقْرٍ أَشَدُّ؟ قَالَ الْكُفْرُ بَعْدَ الْإِيمَانِ؛^۱

کفر بعد از ایمان.»

۱.۲.۳.۴. فقر فرهنگی

فرهنگ معنایی گسترده دارد و ابعاد وسیعی از زندگی انسانها را شامل می شود. اما آنچه به نام فرهنگ در اینجا مدنظر است و فقر فرهنگی بدان اطلاق می شود، عبارتست از بی خردی، بی سوادی، اعتقادات خرافی، پرسشهای غیرعقلانی، کاستی عشق، محبت و فزونی بغض و کینه و امثال آن.

بی تردید خرد یکی بزرگترین نعمتهای خداوند متعال است. ولی برخی از انسانها از این نعمت بزرگ بی بهره یا کم بهره اند. عقل مراتب مختلفی دارد. گروهی از پایین ترین مرتبهی آن یعنی توان درک نیز بی بهره اند، شریعت برای تدبیر زندگی چنین افرادی سرپرست مشخص کرده است. گروهی دیگر، به رغم برخورداری از این مرتبه از مراتب بالا قرآن یعنی مرحلهی کسب دانش و نیز عقل محلی، که سبب تشخیصی درست از نادرست می گردد بی بهره اند. از این گونه فقر در قرآن با واژه های استضعاف یاد شده است. و این دسته در روایات نادانها شمرده شده اند. در هر صورت فقر فرهنگی بزرگ ترین عامل انحطاط یک فرد یا یک ملت است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این زمینه می فرماید:

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: يَا عَلِيُّ لَا فَقْرَ أَشَدُّ مِنَ الْجَهْلِ؛^۲

ای علی هیچ فقری مانند نادانی نیست.»

همچنین حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه حکمت ۳۸ می فرماید:

«وَأَكْبَرَ الْفَقْرِ الْحُمُقُ؛

بزرگ ترین فقر بی خردی است.»

۱. ابن بابویه قمی (صدوق)، محمد بن علی، *الأمالی*، قم، انتشارات کتابخانه اسلامی، ۱۳۶۲ ش، ج ۴، ص ۳۸۱.

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، *اصول کافی*، پیشین، ج ۱، ص ۲۵.